

سیاست‌های اقتصادی‌اش در سمت حفظ انسجام پایگاه طبقاتی خود و تکیه بر دستگاه سرکوب و تزیق رعب و وحشت به جنبش مطالباتی مردمی تضمین بقای "نظام" را امکان‌پذیر می‌بیند.

"مربیان پیش‌دستانی استان خوزستان" همراه با خواست "تبدیل وضعیت به حق‌التدریسی" بر اساس مصوبات مجلس، برای "پنجمین بار" روز ۲۷ خردادماه به آموزش و پرورش خوزستان مراجعه کردند و با بیان اینکه "سال‌هاست با کمترین سطح دستمزد، امنیت شغلی و خدمات رفاهی مشغول به کار" هستیم، تبدیل وضعیت خویش را خواستار شدند. بیش از ۲۰۰ معلم خرید خدمات آموزشی از "استان‌های مختلف از جمله قزوین، اصفهان و سیستان و بلوچستان" در روز ۲ تیرماه به تهران آمدند و مقابل مجلس جمعی اعتراضی برگزار کردند. معلمان خرید خدمات آموزشی "مهم‌ترین مطالبه خود را تبدیل وضعیت" و استخدام عنوان کرده و گفتند: "وضعیت شغلی و درآمدی ما اسفناک است." در روز ۱۱ تیرماه جمعی از "آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی با حضور در مقابل سازمان اداری استخدامی کشور در تهران، خواستار اجرایی کردن مصوبه سال ۹۵ ادامه در صفحه ۳

علت بی‌پاسخ ماندن خواست‌های فرهنگیان

آزادی فعالان صنفی از بند و زندان رژیم و توقف خصوصی‌سازی، دو خواست مهم مبارزان جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش زنان، و همچنین معلمان مبارز کشورمان در دو سال اخیر بوده‌اند. رژیم در مقابل این خواست‌ها و پاسخ به آن‌ها همواره سیاست اعمال فشار و سرکوب را به کار برده است. بی‌پاسخ گذاشتن مطالبات فرهنگیان و بازداشت و اخراج فعالان صنفی معلمان نمونه‌ای روشن رفتار رژیم ولایت فقیه در برخورد با خواست‌های مردمی است. رژیم ولایت فقیه برای حل معضل‌ها و حتا کاستن از شدت شرایط بحرانی کنونی برنامه‌ای ندارد و اصولاً قدرت حل مشکلات کنونی را ندارد. بنا بر این، فقط با ادامه دادن سرسختانه به

نامه کارگری ضمیمه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۲، ۳۱ تیر ماه ۱۳۹۸

زنان کارگر، زنان سرپرست خانوار، و حقوق آنان



دارد. بر اساس گزارش اپلنا، ۱۷ تیرماه، و به‌گفته معاون اشتغال وزارت کار: "سه‌م اشتغال غیررسمی از بازار اشتغال کشور به ۵۰ درصد می‌رسد." کارگران در مشاغل غیررسمی دستمزدی کمتر از حداقل دستمزد قانونی را دریافت می‌کنند و بیمه هم نمی‌شوند و از همان اندک حقوق و حمایت‌های قانونی درج شده در قانون کار رژیم ولایتی هم برخوردار نیستند. بنا بر این، برای کسب سود بیشتر، کارفرمایان ترجیح می‌دهند کارگران را به‌طور غیررسمی به کار گیرند. زهرا کریمی، کارشناس اقتصاد، در گفتگویی با اپلنا، اول تیرماه ۹۸، گفت: "بسیاری از زنان کارگر تأمین‌کننده هزینه‌های زندگی یک خانواده هستند... کارگاه‌های زیرپله نیز از جمله مشاغل غیررسمی است که زنان زیادی در آن مشغول به کار هستند... بر اساس قانون، برای کار مساوی باید مزد مساوی به زنان و مردان پرداخت شود... مزد زنان نشاکار همواره کمتر از مردان است و بسیاری از صاحبان مزرعه ترجیح می‌دهند زنان را به کار بگیرند." زهرا کریمی به‌طور مشخص در

در میان گزارش‌های انتشار یافته در خصوص وضعیت کار و زندگی زحمتکشان، اوضاع ناگوار زنان کارگر و زنان سرپرست خانوار معمولاً در سایه قرار می‌گیرد و درباره آن

کم‌تر خبر و گزارشی منتشر می‌شود. بر پایه برآوردهای رسمی، زندگی زنان کارگر و سرپرست خانوار به لحاظ معیشتی فوق‌العاده وخیم است. شورای عالی کار در اسفندماه ۹۷ حداقل دستمزد سال ۱۳۹۸ کارگران را یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان تعیین کرد. در حالی که روز ۲۴ تیرماه ۹۸ یک عضو به اصطلاح "کارگری شورای عالی کار" و نایب‌رئیس تشکل دست‌ساز "کانون عالی شوراها" اسلامی کار، تفاوت "حداقل دستمزد کارگران با سبد معاش حداقلی" را "۴ میلیون و ۲۸۰ هزار" تومان اعلام کرد. با افزایش گام‌گسیخته قیمت ارز و کاهش فجیع قدرت خرید زحمتکشان، رهبران تشکل‌های زرد حکومتی طی سال ۱۳۹۷ مکرر از "ترمیم دستمزد" سخن گفتند. در نهایت، بخشی از زحمتکشان ۲۰۰ هزار تومان به‌قول وزیر کار رژیم محمد شریعتمداری "سید جبرانی معیشت خانوار" دریافت کردند. اخیراً بار دیگر رهبران تشکل‌های زرد حکومتی تقاضای "ترمیم دستمزد" می‌کنند، اما نایب‌رئیس "کانون عالی شوراها" اسلامی کار، روی "راهکارهایی که بر افزایش مستقیم دستمزد متکی نیست"، اصرار

چرا با اتحاد عمل فراگیر در جنبش سندیکایی زحمتکشان باید به مقابله با برنامه‌های رژیم ولایت فقیه برخاست؟!

با ادامه پیدا کردن اجرای برنامه‌های ضد مردمی‌ای مانند آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، و هم‌زمان با آن، گسترش یافتن دایره تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا، بحران اقتصادی پیش‌ازپیش زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان را تحت تأثیر خود قرار داده است.

در هفته‌های اخیر، پیش و پس از انتشار خبرهایی مرتبط با راه‌اندازی سازوکار مالی ویژه میان اروپا و ایران و نیز تلاش سه کشور اروپایی امضاکننده توافق برجام در جهت آغاز مذاکرات میان جمهوری اسلامی و کاخ سفید، رژیم ولایت فقیه مجموعه برنامه‌هایی به‌هدف "کاهش" اثرهای بحران اقتصادی و نیز در راستای تحکیم و تقویت پیوندهایش با سرمایه‌داری جهانی و بازتعریف نقش خود در تقسیم کار جهانی سرمایه، تدوین و آماده اجرا کرد. برنامه اصلاح ساختاری بودجه با محوریت آزادسازی اقتصادی، انعطاف در بازار کار، و اصلاح نظام بانکی، در زمره مهم‌ترین و اصلی‌ترین برنامه‌های اقتصادی رژیم در اوضاع کنونی است. درست بر مبنای همین برنامه‌ها بود که "ظریف" در سفر اخیرش به نیویورک در مصاحبه با رسانه‌های آمریکا بر باز بودن درب بازارهای ایران به روی شرکت‌های آمریکایی تأکید کرد! محتوای این

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۳

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه چرا با اتحاد عمل فراگیر در جنبش ...

برنامه‌ها بدون استثنا بر پایه‌های آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی در ایجاد گسترده بنا شده‌اند. به‌عنوان نمونه، رئیس کانون بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری خصوصی - به‌شوقی اتاق بازرگانی - طرح اجرای عملیات بازار باز را به دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ارائه داد که بی‌درنگ با حمایت وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی، و معاون اول رئیس‌جمهور روبرو گردید. روزنامه ابتکار، ۹ تیرماه ۹۸، در این باره گزارش داده بود: "رئیس کانون بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری خصوصی درباره اجرای عملیات بازار باز و نقش آن در اجرای سیاست‌های پولی و کنترل تورم اظهار کرد که عملیات بازار باز از ابزارهایی است که می‌تواند به بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های مربوط پولی کمک کرده و در ایجاد نظم مالی، تنظیم مناسبات بین بانک‌ها، بانک مرکزی، دولت، و سایر فعالان اقتصادی کمک کند. ... خوشبختانه در قانون بودجه نیز این موضوع پیش‌بینی شده و این امکان فراهم شده است که بخشی از سیاست‌های مربوط به تأمین مالی در بازار از این طریق صورت گیرد. این عملیات با همکاری نزدیک بانک مرکزی، شبکه بانک‌های خصوصی و فعالان اقتصادی [بخوان: کلان‌سرمایه‌داران، تجار، و دلال‌های عمده بازار] و دولت انجام می‌شود."

به‌عبارت‌دیگر با طرح اتاق بازرگانی و موافقت دولت سرمایه بانک‌های خصوصی در شرایط بحران اقتصادی و فشارهای ناشی از تحریم، از هرگونه گزند محفوظ مانده و حتی افزایش و نسبت به حفظ سودهای هنگفت بانک‌های خصوصی اقدام‌های جدی صورت می‌گیرد. اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که در چارچوب اصلاح ساختاری بودجه ضمن آزادسازی قیمت‌ها و اجرای خصوصی‌سازی، شبکه بانکی تقویت و نفوذ گسترده‌تری در حیات اقتصادی - مالی کشور در بطن اقتصاد مقاومتی ولی فقیه خواهد یافت. همه این‌ها به‌بهای غارت ثروت ملی، فقر فراگیر در جامعه و سقوط سطح زندگی کارگران و زحمتکشان است. به یک معنا برنامه‌های رژیم ولایت فقیه تحمیل بار بحران به دوش زحمتکشان میهن ماست. گزارش

فراموش نکنیم که نظام پولی و بانکی به‌دلیل نقش تعیین‌کننده پول و نیز اهمیت شبکه بانک‌ها در اداره پول، از اهرم‌های مهم دخالت دولت در امور اقتصادی است. در واقع، اهرم پولی و بانکی در کنار اهرم بودجه، قدرت اقتصادی‌ای بی‌بدیل در اختیار دولت قرار می‌گذارد تا بنا به‌ماهیت دولت و سمت‌گیری طبقاتی‌اش، با جامعه و حیات اقتصادی آن را زیر تأثیر خود بگیرد. چگونگی جریان‌های اعتباری و وام‌دهی بانک‌ها از نقطه‌نظر کارکرد اقتصاد، افزایش تولید، نوع و محتوای فعالیت‌های اقتصادی اهمیت بسیار دارند. اینکه وام به چه میزان و با چه نرخ بهره یا سود به کدام طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی و نیز گروه‌های اقتصادی پرداخت شود و اینکه نظام بانکی اعتبارهای مالی‌اش را بین بخش‌های خصوصی و دولتی چگونه توزیع کند، بر سهم هر یک از طبقه‌ها و لایه‌های اجتماعی از درآمد ملی تأثیری جدی و قاطع دارد. بنا بر این، برنامه‌هایی همچون اصلاح ساختاری بودجه و عملیات بازار باز، همگی، در راستای تأمین منافع کلان‌سرمایه‌داری تجاری و سرمایه‌

بوروکراتیک سروکوبگر و رانت‌خوار است و روی دیگر سکه‌اش فقر و خانه‌خوابی اکثر مردم میهن ما به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان است. در گزارش خبرگزاری ایلنا، ۱۲ تیرماه امسال، درباره دستمزد کارگران آمده بود: "دستمزد ۵۰ درصد هزینه‌ها را هم پوشش نمی‌دهد." همچنین خبرگزاری مهر، از قول رئیس هیئت‌مدیره کانون عالی شوراها اسلامی کار - یعنی تشکل ساخته و پرداخته رژیم، نوشت: "کمتر از ۴ درصد از کارگران امنیت شغلی دارند." پیش از این، خبرگزاری ایسنا، ۲ تیرماه، گزارش داده بود: "بررسی وضعیت هزینه‌ای خانوارهای ایرانی در خردادماه امسال نسبت به همین ماه در سال گذشته نشان داد که به‌طور میانگین ۴/۵۰ درصد هزینه‌های آنها افزایش یافته است... تورم در گروه خوراکی‌ها بیش از ۷۴ درصد گزارش شده... همچنین مسکن در مقایسه با خردادماه سال گذشته ۲۶ درصد افزایش هزینه دارد." به‌علاوه، ایلنا، ۲۶ خردادماه، در گزارشی نوشته بود: "کارگران در اردیبهشت‌ماه ۹۸ برای گذراندن زندگی یومیه به ۲ میلیون و ۷۲۲ هزار تومان بیش از حداقل دستمزد دریافتی نیازمندند، هزینه‌های زندگی... از مرز ۶ میلیون و صد هزار تومانی گذشته است و در مجموع به نسبت استفاده‌ماه ۹۷ که محاسبات مژدی سال جاری انجام گرفت، بیش از ۷۲ درصد جهش قیمتی داشته‌ایم." خبرگزاری ایرنا، در برابری دیگر، گزارش داد: "وضعیت رفاهی کارگران در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال قبل از آن ۸/۷۳ درصد افت کرد." به این اماره‌ها تکان‌دهنده باید موردهایی دیگر را نیز افزود تا به ژرفای فاجعه بهتر بتوان پی برد. روزنامه آرمان، ۹ تیرماه، طی گزارشی از جمله نوشت: "آمار سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد طی سه سال گذشته... بیش از ۵/۱۳ میلیون نفر در فهرست

بیمه کارگاه‌های تولید قرار داشتند و تحویل تأمین اجتماعی می‌شدند. اکنون این افراد به زیر ۱۰ میلیون نفر کاهش پیدا کرده‌اند یعنی آمار جدید این سازمان نشان می‌دهد که طی دو سال اخیر بیمه حدود ۴ میلیون نفر از کارگران... قطع شده است. متأسفانه اکثر این افراد در بنگاه‌های کوچک و متوسط مشغول به فعالیت بودند که چنین کاهشی گویای ورشکستگی و تعطیلی این بنگاه‌هاست... به‌دلیل نبود تشکلهای صنفی و مدنی کارآمد این ضعف‌ها تشدید شده‌اند. تشکلهایی هم که به‌نام دفاع از حقوق کارگران تشکیل شده‌اند اولاً ابزار و توسعه سازمانی لازم برای احقاق حقوق کارگران را ندارند و از سوی دیگر افراد کارآمدی در این تشکلهای فعال نیستند... بنا بر این نمی‌توان آنها را تشکلهایی بالغ دانست و انتظار داشت که از حقوق ده‌ها میلیون نفر دفاع کنند."

باید در اینجا به برنامه ضد کارگری تعدیل نیروی کار نیز اشاره کرد که ژرفش بحران بیکاری و نابودی امنیت شغلی زحمتکشان را سبب شده و می‌شود. با وجود بیکاری صدها هزار کارگر، مبلغ ناچیز بیمه بیکاری نیز شامل حال اکثریت مطلق کارگران نمی‌شود. طبق برنامه اصلاح ساختاری بودجه، رژیم ولایت فقیه پرداخت مقرری بیمه بیکاری را به کاربایی‌های خصوصی محول می‌کند. بنگاه‌های کاربایی خصوصی عمداً از جانب وابستگان به کارفرمایان بخش خصوصی، شرکت‌های پیمانکاری نیروی کار، و بنیادهای انگلی تأسیس شده‌اند. چندی پیش سرپرست سابق سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده بود: "در حال حاضر ۲۵۰ هزار نفر بیمه بیکاری می‌گیرند." این در حالی است که به‌گاه‌های آمارهای رسمی، از ابتدای امسال صدها هزار کارگر شغل خود را از دست داده و از کار اخراج شده‌اند که علت آن اجرای سیاست تعدیل نیروی کار و تمدید نشدن قراردادهای موقت از سوی کارفرمایان بوده است.

با توجه به این آمارها، می‌توان وضعیت بسیار وخیم زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان را بازشناخت. این وضعیت نتیجه مستقیم سمت‌گیری اقتصادی اجتماعی و ماهیت طبقاتی رژیم ولایت فقیه و دولت حسن روحانی است. در این زمینه و به‌منظور برون‌رفت از چنین وضعیتی وخیم وظیفه مبرم همه مبارزان مدافع منافع طبقه کارگر و جنبش‌سندیکایی زحمتکشان میهن ما، همان‌گونه که بارها تأکید کرده‌ایم، تشدید مبارزه و اتحاد عمل فراگیر است.

اتحاد عمل از آن روی حائز اهمیت است که با توجه به اوضاع کنونی و آرایش نیروها در صحنه سیاسی کشور باید برای تقویت همکاری در گسترده‌ترین شکل ممکن در صف‌های جنبش‌سندیکایی زحمتکشان هوشیارانه مبارزه کرد و به‌صورتی خستگی‌ناپذیر در جهت تغییر توازن قوا حرکت کرده و گام به پیش برداشت. در این مرحله، با درنظر داشتن افشاگری درباره ماهیت و عملکرد تشکلهای زرد و زرد حکومتی، توده‌های کارگر در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به‌مراتب پیش از گذشته برای پذیرش شعارهای صحیح و منطبق با واقعیت‌های جاری آمادگی دارند، یعنی شعارهایی که خواست‌ها، منافع، و حقوق سیاسی و صنفی آنی و اتی طبقه کارگر و زحمتکشان را بازتاب دهند. ما یک‌سو اکنون ما شاهد انزوای بیشتر تشکلهای زرد حکومتی هستیم و از دیگر سو ضروری است تا همه توان را متوجه همکاری نزدیک و عمل مشترک تشکلهای کارگری نمایم. باید خلا ناشی از انزوای تشکلهای زرد حکومتی در جنبش مطالباتی کارگران را در مقطع زمانی حساس و سرنوشت‌ساز کنونی با تشدید مبارزه و اتحاد عمل فراگیر پر کرد و از این راه پایه‌های جنبش‌سندیکایی مستقل، واقعی، و طبقاتی زحمتکشان را استحکام بخشید و بنیه آن را تقویت کرد.

درست به‌همین علت‌ها - یعنی مجموعه عامل‌های عینی و ذهنی - مبارزه متحد و متشکل جنبش کارگری و سندیکایی با برنامه‌های ویرانگر اقتصادی اجتماعی رژیم ولایت فقیه پراهمیت تلقی می‌شود. این مبارزه، در سرشت خود پیکار طبقه کارگر میهن ما بر ضد استبداد مذهبی یا همان رونیای سیاسی حاکم نهفته است. سیاست‌های ضد مردمی و سمت‌گیری طبقاتی رژیم ولایت فقیه در کنار اثرگذاری تحریم‌های امپریالیسم آمریکا، بخش‌هایی وسیع از لایه‌های میانی جامعه شامل صنعتگران خرد و متوسط متکی به تولید ملی و داخلی، کسبه خرد، روشنفکران میهن‌پرست، دهقانان تهیدست، خردپا و میانه‌حال را نیز به ورشکستگی، فقر و خانه‌خوابی کشانده و آنان را در موضع مخالفت با سیاست‌های رژیم ولایت فقیه و دیکتاتوری حاکم قرار داده است. نکته مهم اینجاست که، زمانی می‌توان پیوند و رابطه ضروری و حیاتی‌ای را با مبارزات این لایه‌های ناراضی از دیکتاتوری حاکم بر قرار ساخت و درعین حال منافع و مطالبه‌های کارگران را در جنبش سراسری ضد استبدادی لحاظ کرد و بازتاب داد که خود جنبش کارگری و سندیکایی از حد معینی از توان، قدرت مانور، تأثیرگذاری اجتماعی، و سازمان‌دهی‌ای اهتین برخوردار باشد. این ضرورت‌ها و وظایف تاریخی مهم بدون اتحاد عمل در صف‌های جنبش‌سندیکایی صورت واقعیت به‌خود نخواهند گرفت. شبه‌تئوری‌های نادرست در خصوص چگونگی اتحاد عمل در صف‌های جنبش‌سندیکایی مانند "شورا" به‌جای "سندیکا"، به‌وجود آوردن تقابل میان "شورا" و "سندیکا"، ایجاد سازمان صنفی به‌طورخالص چپ، و همچنین دیدگاه‌هایی بسیار

ادامه زنان کارگر، زنان ...

ارتباط با دستمزد زنان قالیباف، گفت: "یک فرش دستباف شش متری که با نخ طبیعی تهیه می‌شود بیش از دو ماه زمان نیاز دارد... زنان با تلاش شبانه‌روزی و فعالیت بیش از ۱۸ ساعت در روز این محصول را تهیه می‌کنند اما دستمزد متوسطی که از سوی پیمانکاران پرداخت می‌شود ماهیانه ۳۸۰ هزار تومان است... کل فرش اما نزدیک به ۱۱ میلیون تومان به‌فروش می‌رسد... به‌همین دلیل زنان کار کردن در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با ماهی ۹۵۰ هزار تومان را به اشتغال‌زایی در منزل ترجیح می‌دهند." البته به‌نظر کارگزاران رژیم ولایتی، خصوصی‌سازی تمام عرصه‌های زندگی زحمتکشان و حتی بهره‌کشی بیشتر از زنان با درآمد بسیار ناچیز نیز "جایز" است. خبرگزاری ایلنا، ۲۳ خردادماه ۹۸، از واگذاری طرح "مراقبت در منزل" را از سوی سازمان بهزیستی به بخش خصوصی گزارش داد. یکی از زنان شاغل در این طرح به خبرنگار ایلنا گفت: "مددکاری برخی از بیماران را به شرکت‌های خصوصی واگذار کرده‌اند [و مددکاران] نصف مبلغ حداقل حقوق را می‌گیرند... شرکت ما می‌گوید چون بهزیستی بارانه‌های توان‌بخشی و درمان را به شرکت‌های خصوصی نمی‌دهد، پرداخت حقوق [بیشتر از این در توان‌مان نیست... هرماه راحت ۲۰۰-۳۰۰ هزار تومان هزینه رفت و برگشت و تلفن می‌دهیم... درواقع هرماه، زیر ۷۰۰ هزار تومان برای‌مان می‌ماند."

دستفروشی یکی دیگر از انواع مختلف اشتغال غیررسمی است. بخش بزرگی از دست‌فروشان در کشور ما زنان سرپرست خانوار هستند. اما با طرح‌های مختلف یا حتی یورش به بساط دست‌فروشان، در مواردی نیروهای امنیتی رژیم و مأموران شهرداری

ادامه چرا با اتحاد عمل فراگیر ...

خطرناک که همکاری با رهبری تشکل‌های زرد حکومتی و تغییر مرزبندی‌های طبقاتی با پذیرش خط قرمزهای رژیم را تبلیغ می‌کنند، نتیجه‌اش همکاری با اریستوکراسی کارگری جمهوری اسلامی است. این قبیل نظرها اگر با بی‌تجربگی نسبت نداشته باشند، اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی تفرقه‌افکنانه‌اند که فقط و فقط به‌سود راهبردی نهایی رژیم ولایت فقیه و همچنین مقاصد شوم امپریالیسم یعنی سرکوب و حذف جنبش کارگری از معادله‌های صحنه سیاسی کشور است. نکته آخر اینکه، اتحاد عمل فراگیر در جنبش سندیکایی بر پایه خواست‌های طبقاتی مشخص و مطالبات صنفی‌رفاهی و جانبداری طبقاتی صورت می‌گیرد و در برگیرندهٔ منافع همهٔ کارگران و زحمتکشان فکری ویدی است. برای این اتحاد عمل فراگیر مرزهایی معینی وجود دارد

مانع از امرار معاش این زحمتکشان می‌شوند. به‌عنوان نمونه، خبرگزاری ایلنا، ۱۷ تیرماه، از گذشت چندروزه اجرای "طرح جمع‌آوری دست‌فروشان در میدان نماز تبریز" گزارش داد. یکی از این دست‌فروشان گفت، "اگر چاره دیگری داشتیم، دستفروشی نمی‌کردیم"، هرچند که رئیس دولت "تدبیر و امید" اوضاع را به‌نوع دیگری می‌بیند. مطابق گزارش آرمان، ۲۳ تیرماه، روحانی در خلال سفر به خراسان با اعلام اینکه "بیکاری کاهش یافته و اشتغال افزایش یافته است"، گفت: "آیا من شعار می‌دهم یا دلیل آمار [ی] دارم... آمار بیکاری پارسال ۱۲/۱ درصد بوده الان ۱۰/۸ درصد است." آماری که روحانی به آن اشاره می‌کند، متعلق به "مرکز آمار" است، یعنی مرکزی که با او از این هم حتا فراتر گذشته و روز ۲۲ تیرماه از کاهش نرخ بیکاری ۱۱/۶ درصدی همدان در زمستان سال گذشته به ۶/۸ درصد در بهار امسال "گزارش داد. در رابطه با این آمار حتا دبیرکل ضدکارگری خانه کارگر، محجوب، گفت: "آمارگیری‌های فعلی فاقد ارزش علمی است." در مقاله‌ای در روزنامهٔ همدلی، ۲۴ تیرماه، نویسنده مقاله با قیاس رفتار روحانی با احمدی‌نژاد، و اشاره به اتکای او به ارائهٔ "آمارهای غلط"، "کنمان سازی واقعیت معیشتی مردم"، و "گره زدن همه مشکلات به تحریم‌ها، نوشت: "گفتاردرمانی و امیددرمانی روی دیگر سکه پوپولیسم است و روحانی با قاعده این بازی آن هم در سخن با افکارعمومی به‌خوبی آگاه است." کارگزاران رژیم ولایتی، خصوصی‌سازی و حتی تجاوز به دستمزد ناچیز زن زحمتکش سرپرست خانوار را نیز "جایز" می‌دانند. با مبارزه‌ای متحد، به سیاست‌های اقتصادی این مجریان فرمان‌های صندوق بین‌المللی پول و رژیم ستمگر ولایتی باید پایان داد. حمایت از خواست‌ها و مبارزهٔ زنان کارگر و زنان سرپرست خانوار بخش مهمی از مبارزهٔ طبقه کارگر میهن ما بر ضد رژیم ولایت فقیه است.

که تعریف آن عبارت است از: پابندی عملی به منافع کارگران و زحمتکشان و تأکید بر حفظ هویت و استقلال عمل طبقاتی سازمان‌های صنفی - سندیکایی!

کوتاه سخن:

جنبش کارگری و سندیکایی باید تشکیلات، سطح همبستگی، سازمان‌دهی، اتکا به نیروی توده کارگران و بنیة خود را با تشدید مبارزه بازسازی کند. شرط کامیابی این پویه، اتحاد عمل فراگیر و استقلال عمل طبقاتی است. معادله‌های صحنه سیاسی کشور بیش از گذشته حضور مؤثر و فعال جنبش کارگری در پیکار همگانی ضد دیکتاتوری را طلب می‌کند. با اتحاد عمل و با ایمان به نیروی فناپذیر توده‌های کارگر در راه انجام این وظیفه تاریخی گام به‌پیش برداریم!

کارگر متحد همه چیز

کارگر متفرق هیچ چیز

ادامه علت بی‌پاسخ ماندن ...

مجلس در زمینه جذب در آموزش و پرورش شدند. جمعی از "مربیان پیش‌دبستانی سراسر کشور به‌همراه تعدادی از معلمان حق‌التدریسی، در اعتراض به عدم اجرای قانون جذب مقابل مجلس" در روز ۲۳ تیرماه جمع شدند. دستگاه فاسد ولایتی، دولت‌ها، و مجلس آن، در تمام این سال‌ها صرفاً وعده "جذب" و استخدام این زحمتکشان را داده‌اند، اما همچنان با دستمزدهایی کمتر از حداقل دستمزد چندین برابر زیر خط فقر در آموزش و پرورش و در انواع و اقسام مدرسه‌های "غیرانتفاعی به بهره‌کشی ظالمانه از آنان ادامه می‌دهند. برای استثمار حداکثری از زحمتکشان، کارگزاران رژیم ضد مردمی ولایت فقیه اختراع‌های اقتصاد نولیبرالی در عرصه کار تولیدی را در عرصهٔ آموزش نیز به‌کار برده‌اند. روز ۲۹ اردیبهشت‌ماه و با این بهانه که "معلمان جدیدالورود" در "دوره کارورزی هستند"، آموزش و پرورش رژیم این معلمان را از "افزایش ۴۰۰ هزارتومانی حقوق در سال جاری" محروم کرده بود و ضمن اعتراض این معلمان به این محرومیت گفتند:

"اگر کارورز هستیم چرا حکم پیمانی گرفته‌ایم." کارگزاران رژیم فاسد ولایتی همان‌طور که اندوخته‌های کارگران در سازمان تأمین اجتماعی را چپاول کرده و می‌کنند، صندوق بازنشستگی کشوری را هم به آستانه ورشکستگی کشیده‌اند و در واکنش به این فسادها ما تجمع‌های اعتراضی فراوان آموزگاران بازنشسته را شاهد بوده‌ایم. بازنشستگان کشوری، ۲۲ تیرماه، در یک "نامه مشترک" دربارهٔ "مهم‌ترین مطالبات خود"، نوشتند: "ما بازنشستگان خواستار بازپس گرفتن اموال و کنترل بر صندوق‌های بازنشستگی، دستیابی به درمان رایگان و حذف بیمه‌های تکمیلی بی‌خاصیت و پرهزینه و حقوق متناسب با یک زندگی استاندارد توأم با رفاه هستیم." یکی از بازنشستگان کشوری با انتقاد شدید از اجرا نشدن "قانون مدیریت خدمات کشوری بعد از ۱۲ سال"، به خبرگزاری ایلنا، ۱۶ تیرماه، گفت: "ما می‌گوییم حقوق ما دو میلیون است اما خط فقر ۶ میلیون است... ما می‌گوییم بیمه تکمیلی نمی‌خواهیم، ما می‌گوییم باید متن صریح قانون اجرا شود." همچنین در اشاره به پرداخت نشدن مطالبات مزدی فرهنگیان ایلنا، ۲۶ تیرماه، از پرداخت نشدن معوقه ۱۰ هزار میلیاردی معلمان گزارشی را منتشر کرد. معلوم نیست این ۱۰ هزار میلیارد چه زمانی به فرهنگیان پرداخت خواهد شد. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس "با تأیید اردوهای خارج از کشور در برخی مدارس غیردولتی و لاکچری"، در ارتباط با مسئولان این مدارس، به روزنامهٔ آرمان، ۷ خردادماه، گفت: "برخی از این‌ها برای خود دکان و دستگاه راه انداخته‌اند. ما در میان مدارس غیرانتفاعی مدارس داریم که هیئت مؤسس و عضو هیئت‌مدیره آن دارای مسئولیت‌های مهم در ادارات آموزش و پرورش هستند... آنها به‌عنوان فوق‌برنامه و وجه عجیب‌وغریبی از اولیای دانش‌آموزان دریافت می‌کنند... در برخی نقاط کشورمان مدارس چادری و کپری داریم. یک پژوهشگر اجتماعی و کارشناس رفاه به ایلنا، ۲۴ تیرماه، گفت: "ایران یکی از بالاترین پرداخت‌های از جیب را در حوزه آموزش و پرورش در دنیا دارد... آن وقت باز هم می‌گویند: آموزش باید خصوصی شود؛ مدارس دولتی باید خصوصی شوند." مبارزهٔ فرهنگیان کشور، که بخش مهمی از آن در چارچوب قانون صنفی معلمان سازمان دهی شده است، توانسته است در سالهای اخیر نقش فعالی در به‌چالش کشیدن سیاست‌های ضد مردمی رژیم به انجام برساند و برغم دشواری‌ها و کمبودها صدای صدها هزار معلم زحمتکش را به گوش مردم میهن ما برساند. باید این مبارزه را تقویت و گسترش داد.



بعد از فروپاشی‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۹ و تغییرهای اتفاق افتاده در خلال این سال‌ها، موقعیت و نقش "آی-ال-او" و همچنین دیگر سازمان‌های بین‌المللی تغییر کرد. این روزها، وزیران و نخست‌وزیران با دادن وعده‌های توخالی و بیان واژه‌هایی پُرکن در این کنفرانس‌های سالیانه شرکت کرده و سعی می‌کنند که تصویری واهی از واقعیت‌های جاری نشان دهند.

تا پیش از ۱۹۹۱ کارفرمایان حاضر نبودند چیزی درباره "آی-ال-او" بشنوند. حالا "آی-ال-او" را متحد خود می‌دانند. چرا؟ هرکسی به این پرسش باید بیندیشد و پاسخ خود را برای آن پیدا کند.

اما به‌رغم بعضی گفته‌ها، واقعیت در محیط‌های کاری چیز دیگری را بیان می‌کند. در محیط‌های کاری، کارگران از تعرض دولت‌ها به حقوق‌شان، از بی‌کاری و اخراج، از استفاده از کارگر غیرمتشکل، از خصوص‌سازی‌ها، از فقر و بربریت سرمایه‌داری در رنج و عذاب هستند.

واقعیت در دریای مدیترانه است، جایی که مادران و کودکان به‌دلیل تلاش‌شان برای گریز از تعرض‌های امپریالیستی در دریا غرق می‌شوند.

این تصویر همچنین نتیجه‌نقشی که "آی-ال-او" در وضعیت کنونی و در رهبری جنبش سندیکایی سالی‌ها می‌کند می‌تواند ارزیابی شود.

از سال ۱۹۶۰ محاصره اقتصادی کوبا ادامه دارد. سازمان‌های بین‌المللی چه‌کاری در این مورد انجام داده‌اند؟

در ۱۳ ماه می ۲۰۱۴ در شهر سوای ترکیه ۳۰۱ نفر کارگر کشته شدند. سازمان‌های بین‌المللی در این مورد چه اقدامی کردند؟

در آتش‌سوزی کارخانه لباس‌دوزی پلازای رعنا در بنگلادش (در ۲۴ آوریل ۲۰۱۳) ۱۱۳۲ کارگر زن به‌قتل رسیدند. چه کسانی را به‌خاطر این جنایات تنبیه کردند؟ در شیلی دولت اقدام‌های غیردموکراتیک شرکت کاترپیلار را نادیده می‌گیرد. دفتر مرتبط با "آی-ال-او" چه کاری انجام داد؟

سازمان‌های بین‌المللی برای حفاظت کارگران فلسطینی، سوریه‌ای، عراقی و یمنی در قبال تجاوزهای امپریالیستی چه اقدام‌هایی انجام داده‌اند؟ فقط حرف! این است وضعیت کنونی. امروزه سران کشورها اینجا آمده و به ما می‌گویند که سیاه سفید است! آقای ماکرون، به تظاهرکنندگان حمله کرده و آنان را سرکوب می‌کند، ۱۰۰۰ کارگر نیروگاه ذغالی را اخراج کرده و طی روزهای گذشته آقای محمد لاقیا، عضو پارلمان و از حزب ماکرون، در زاربدیش از اینجا، با وارنه نشان دادن واقعیت‌ها، تهدید می‌کند که از فعالیت سندیکاییی واحد ۱۳ سندیکای "ت-ژ-ت" (کنفدراسیون سندیکاهای فرانسه) جلوگیری خواهد کرد. آقای ماکرون و خانم مرکل هر دوی آنان سازمان بین‌المللی کار را ابزار برای اجرای سیاست‌های‌شان می‌بینند. هم‌زمان با آن، آنان سیاست‌های ضد کارگری‌شان را با تشدید امر نوافاشیسم و بیگانه‌هراسی تقویت می‌کنند. این تصویر تنها می‌تواند با مبارزات متحد و طبقاتی کارگران تغییر یابد، با تقویت پایه‌های اتحادیه‌ها، با گسترش دموکراسی اتحادیه‌ای. این امید در مبارزات ما نهفته است.

سایت "فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری"، ۲۸ خردادماه ۱۳۸۹.

<http://www.wftucentral.org/108th-ilc-plenary-session-speech-of-george-mavrikos-wftu-general-secretary/>

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، و جایگاه سازمان بین‌المللی کار



سازمان جهانی کار صدساله شد. به‌همین مناسبت نشست‌های سالیانه این نهاد در ژنو با حضور اعضا با مباحثی پیرامون مسائل روز سندیکایی، جایگاه سازمان جهانی کار، و جز این‌ها، برگزار شد. نقش و نفوذ دولت‌ها طی سه دهه اخیر در این نهاد بین‌المللی افزایشی جدی یافته و این امر به جایگاه و عملکرد سازمان بین‌المللی کار در دفاع از حقوق کارگران و حفاظت از حقوق بنیادین کار آسیب وارد آورده است.

در هیئت مدیره سازمان جهانی کار که ۵۶ عضو دارد دولت‌ها نقشی غالب پیدا کرده‌اند. ترکیب هیئت مدیره سازمان بین‌المللی کار ۲۸ عضو از دولت‌ها، ۱۴ عضو از سندیکاهای کارگری و ۱۴ عضو نیز از تشکلهای کارفرمایی را در بر می‌گیرد. باید یادآور شد که از ۲۸ نماینده دولت‌ها در هیئت مدیره، ۱۰ عضو به‌صورت دائم از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری گزینش می‌شوند. در نشست امسال سازمان جهانی کار محمد شریعت‌مداری از سوی جمهوری اسلامی حضور داشت و با حمایت تشکلهای کارفرمایی و پشتیبانی برخی دولت‌ها به‌سرپرستی منطقه آسیا و اقیانوسیه گمارده شد. سندیکاهای کارگری همواره خواستار رفع تبعیض در گزینش هیئت مدیره بر اساس شفافیت، اصول دموکراتیک، و برابری حقوق اعضا بوده‌اند. امسال به‌مناسبت صدسالگی سازمان کار دبیرکل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری با انتقاد از نقش مخرب دولت‌ها در هیئت مدیره این نهاد بین‌المللی، مبارزه مشترک سندیکاهای کارگری برای ترسیم آماج‌ها و تحول به‌سود سندیکاهای کارگری در این نهاد بین‌المللی را خواستار شد.

سخنرانی دبیرکل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در یک‌صدو‌هشتمین کنفرانس سازمان بین‌المللی کار:

امید در مبارزات ما موج می‌زند!

دوستان گرامی، همکاران، خانم‌ها، و آقایان،

صد سال از بنیادگذاری سازمان بین‌المللی کار سپری شده است، و این فرصتی است که هدف‌ها و دستاوردهای آن از منظر طبقه کارگر ارزیابی شود تا جنبش

سندیکایی رزمنده تصویری درست از دستاوردها و نتیجه آن داشته باشد.

ما معتقدیم که تاریخ سازمان بین‌المللی کار (آی-ال-او) به دو دوره اصلی تقسیم می‌شود: از زمان تأسیس تا ۱۹۹۰ و از ۱۹۹۰ تا امروز. این سازمان در دوره نخست تاریخش، در مجموع نقشی مثبت داشته است و بیشتر زمان‌ها در مورد حقوق زحمتکشان نقش حفاظتی ای قاطع ایفا کرده است. همکاری‌های بین‌المللی از نقش "آی-ال-او" حمایت و همچنین از وجود آن بهره‌مند بوده‌اند، با نقش انگارناپذیر اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری خلق چین، و بسیاری دیگر از کشورهای سوسیالیستی و کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها. این همکاری‌های مشترک متحدی قوی در کنار خود داشتند: جنبش سندیکایی جهانی همراه با نقش رهبری کتنده فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری. این مبارزات پرشکوه کارگران را در کنار خود داشتند.

موفقیت در به‌دست آوردن خواسته‌های بزرگی چون: امضا قراردادهای دستجمعی، تأمین اجتماعی، هزینه‌های اجتماعی، بهبود دستمزدها، افزایش دستمزد، پیشرفت در آزادی‌های دموکراتیک سندیکاهای و تأمین حقوق سندیکایی، در نتیجه چنین مبارزاتی بود. اتحادیه‌های کارگری در چهار گوشه گیتی تشکیل شد.

مهم نیست که مخالفان با چه حرارتی دست به تبلیغات می‌زنند، حقیقت همیشه خود گویاست.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۲
Nameh Mardom - Workers Supplement No. 21

22 July 2019

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

